



حمزه نوردی

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

بر اساس داده‌های پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری و با مرور سابقه و میزان نیکوکاری مردم ایران برآورد می‌شود که بیش از چهار هزار میلیارد تومان در ماه میزان کمک خیرخواهانه افراد بالای ۱۵ سال جامعه ایران باشد. اما آیا این عدد بزرگ است یا کوچک؟ آیا می‌توان با این مبلغ اهدایی، فقر را در جامعه کاهش داد. در نگاه نخست کمک چهار هزار میلیارد تومانی برای کاهش فقر بسنده و کافی به نظر می‌رسد اما اگر این عدد را به ۳۰ میلیون ایرانی که طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر آمارها فقیر تلقی می‌شوند، یعنی در برطرف‌کردن نیازهای ضروری مشکل دارند، تقسیم کنیم، عدد حدود ۱۶۰ هزار تومانی به دست می‌آید که برای رفع نیازهای ضروری یک فرد بسیار ناچیز است. حتی اگر میزان کمک مالی خیرخواهانه افراد جامعه دو برابر هم شود، باز هم برای برطرف‌کردن ضروریات زندگی ناچیز است. بنابراین با تکیه بر کمک‌های خیرخواهانه نمی‌توان فقر را کاهش داد. به عبارتی، اهدای کمک‌های مالی و پولی نیکوکاری افراد جامعه برای کاهش فقر نمی‌تواند جایگزین خدمات اجتماعی دولت شود. البته خدمات رفاهی دولت هم بوروکراتیک محور است و منجر به گسترش سازوکارهای اداری می‌شود به گونه‌ای که بودجه اختصاص یافته به جای اینکه صرف کاهش فقر شود، برای حقوق و مزایای کارمندان دولت و سایر هزینه‌های اداری صرف می‌شود.

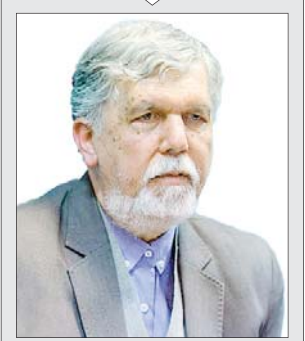
در واقعیت این‌گونه نیست که نیازمندان سهم مساوی از کمک‌های نیکوکاری افراد جامعه دریافت کنند. فرض کنیم نیازمندی پنج برابر نیازمند دیگر از کمک‌های مالی نیکوکاری بهره‌مند می‌شود، باز هم کمک مالی دریافتی به یک میلیون تومان هم نمی‌رسد که فاصله بسیاری با برآوردن حداقل نیازهای ضروری یک فرد در ماه دارد. حالا فرض کنیم که سازمان‌های دولتی مانند بهزیستی و کمیته امداد هم دو برابر این مبلغ به نیازمندان کمک کنند، یعنی دولت هشت میلیارد (هشت هزار میلیارد تومان) به نیازمندان کمک نقدی کند، به هر قفسیر و نیازمندی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد که برای رفع نیازها یا خارج‌شدن از فقر بسیار کم است. اگر فرض کنیم که چنین کمک‌های مالی خیرخواهانه‌ای وجود نداشته باشد، وضعیت نیازمندان بدتر می‌شد. پس نمی‌توان کمک مالی بیش از چهار هزار میلیاردی افراد جامعه را نادیده گرفت.

بخشی از ناکافی بودن و نابسندگی کمک‌های مالی خیرخواهانه به زیاده‌بودن تعداد نیازمندان برمی‌گردد. طبق داده‌های پیمایش مذکور کمتر از ۱۰ درصد افراد جامعه فعالیت نیکوکاری را در قالب کار داوطلبانه انجام می‌دهند. می‌توان تصور کرد کار داوطلبانه تخصصی گاه می‌تواند به اندازه کمک‌های مالی چند صد تا چندین هزار نفر مؤثر باشد. فرض کنیم اگر یک پزشک متخصص در ماه یک عمل جراحی خیرخواهانه (کار داوطلبانه تخصصی) انجام دهد که هزینه آن ۳۰ میلیون تومان باشد، به اندازه کمک مالی چندین هزار نفر است. کارهای داوطلبانه تخصصی پزشک، روان‌شناس، معلم، آرایشگر و سایر مشاغل که مبتنی بر مهارت و خدمات تخصصی است، مانند برق‌کار، تاسیسات و... می‌تواند بسیاری از هزینه‌های افراد بی‌بضاعت را کاهش دهد و به اندازه کمک مالی چندین هزار نفر باشد. متأسفانه در زمینه سامان‌دهی کار داوطلبانه تخصصی فعالیت زیادی صورت نگرفته است. هرچند بیشتر افراد جامعه معتقدند سابقه نیکوکاری متوسط و بالا دارند و بیشتر آنها فعالیت نیکوکاری خود را به شیوه اهدای کمک مالی و نقدی انجام می‌دهند اما با توجه به محاسبه سادساده‌ای که انجام شد، چنین کمک‌هایی نمی‌تواند فقر را در جامعه کاهش دهد. ناکافی بودن کمک‌های خیرخواهانه برای کاهش فقر و بی‌اعتمادی به دولت شیوه کلی سیاست‌گذاری در جامعه ایران را بیش از پیش به پرسش می‌گیرد. لازم است بازنگری اساسی هم در دیدگاه‌ها و هم در رویه‌های اجرایی انجام شود. بحران‌های اقتصادی و تورم نیز وضعیت را بدتر کرده است. تورم پرنوسان و بالا افراد بیشتری را به گروه‌های نیازمند کمک و حمایت اضافه می‌کند. اداره‌کردن و مدیریت دولتی برای کاهش فقر شکست خورده است. رویکرد بازارگرایی هم نابرابری‌های بیشتری ایجاد می‌کند. تنها راه‌حل نظری و اجرایی هم افزایش و ارتباط مناسب بین دولت، سازمان‌های جامعه مدنی و بازار است. بر این اساس نیاز است، الف) نوآوری‌هایی در سازمان‌های غیردولتی و غیربازاری برای مواجهه با فقر شکل گیرد که یک نمونه از آن تغییر راهبرد از میانجی مالی به میانجی شناختی است. ب) ثبات اقتصاد کلان، کنترل تورم و یافتن راه‌حلی برای مسئله تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی برای کاهش فقر ضروری است در غیر این صورت مدام به نیازمندان جامعه افزوده می‌شود.



ولادت امام علی (ع) را تبریک می‌گوییم

دوشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۳
۱۲ رجب ۱۴۴۶
۱۳ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۲۵
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در نشست خبری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد برای خط‌زدن نباید عجله کنیم

در «شرق» امروز می‌خوانید: پیام تسلیت مقام معظم رهبری درگذشت اخوی حجت‌الاسلام موسوی جزائری • در فاصله یک هفته تا تحلیف دونالد ترامپ؛ احتمال توافق برای آتش‌بس در غزه قوت گرفت

جزئیات جلسه بررسی متمم بودجه ۱۴۰۳ شهرداری بدون حضور خبرنگاران

پول‌های داغ در بلدیہ



نگاهی به رابطه دیپلماتیک تهران و مسکو در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی دیگر خبری از دیپلماسی یکسویه نخواهد بود

کزارش تریبیک را در صفحه ۱۰ بخوانید



گفت‌وگوی محمدرضا یزدانپرست با مصطفی رحماندوست بازی و نوشتن در مدارس ما کشته شده!

برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

برگزیده‌ها

بررسی لوابج پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز شد

سیگنال‌های مثبت برای FATF

۲

روی زشت کشتی در ایران؛ بفرمایید چاقو!

۹

به‌تازگی سازمان روان‌شناسی فهرستی از روان‌شناسان جعلی و اکانت‌های اینستاگرامی آنها منتشر کرده است

چرا از روان‌شناس نمایان استقبال می‌شود؟

۸

عرضه اولیه توسعه نیشکر گام بلند بانک صادرات ایران

۴

نگاه

علی (ع) رمز وحدت ایرانیان

احمد مسجدجامعی

۱۲

یادداشت

وقت بازبینی رسیده است

احسان هوشمند

در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۴ و ماه نخست سال ۲۰۲۵ تحولات شتابان و پیش‌بینی‌ناشده‌ای در منطقه روی داد. چرخه این تحولات لبنان، سوریه و عراق را تحت تأثیر خود قرار داد و موجب فروپاشی نظام حاکم بر سوریه و فرار بشار اسد به روسیه و تسلط گروه هیئت تحریر الشام و ارتش وطنی سوریه به رهبری الجولانی بر دمشق شد. فقدان شمار قابل توجهی از رهبران حزب‌الله و انتخاب رئیس‌جمهور لبنان هم برگ دیگری از تحولات منطقه است که اثرات خود را در محیط بین‌المللی بر جای می‌گذارد. تلاش نخست‌وزیر عراق برای مدیریت گروه‌های شبه‌نظامی در عراق هم فصل تازه‌ای از تحولات سیاسی منطقه است. در این شرایط متفاوت نسبت به سال‌های گذشته که منطقه با آن مواجه است، حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در روزهای آتی می‌تواند بیش از پیش به این تحولات جهت دهد. دولت درحالی‌که در داخل کشور با چالش‌های پیچیده و متنوعی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه است، هم‌زمان باید خود را برای مواجهه با شرایط بسیار حساس منطقه‌ای و بین‌المللی مهیا کند. دولت‌مردان هم قاعدتاً آگاه هستند که تنوع چالش‌های داخلی و خارجی که کشور با آن مواجه است، چنان در هم تنیده‌اند که حل‌وفصل جدی و همه‌جانبه همه این چالش‌ها به صورت مجزا و جزیره‌ای امکان‌نیست و برای مدیریت شرایط تازه باید طرحی نو در انداخت.

خانواده محترم محمودی

مصیبت درگذشت جناب آقای خلیل محمودی مدیر مسئول روزنامه جهان صنعت را تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

روزنامه شرق

یک قاب تجربه

در ستایش نقدپذیری و نکوهش جزم‌اندیشی

را به محکمه می‌کشاند. بدون تردید تحولات شگفت‌آور جهان در دو دهه گذشته در عرصه تولد نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید دنیای ارتباطات بیش از پیش فرصت را بر جزم‌اندیشی تنگ کرده است. ایران عزیز ما نیز از این قاعده و بهره‌مندی از این پیشرفت‌ها مستثنا نیست، بنابراین باید پذیرفت و باور کرد که عصر و دوران مسدودسازی اندیشه و پیشگیری از انتشار آن به سر آمده است. نقدستیزی به فرجام نمی‌رسد. ایران با پیشینه تمدنی و فرهنگی برخاسته از خردمندی و فرزاندگی قابل ستایش خود باید مهد باز تربیت بزرگان و اندیشه‌وران جدیدی باشد که دلسوزانه و خیرخواهانه و برگرفته از علم و دانش و منطق چراغ راه و روشنگر مسیر حکمرانان می‌شوند.

فرهیخته ارجمند و دانشمند گران‌مایه دکتر محسن زنانی را از زمانی که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره ششم همکاری می‌کرد و مشاوره می‌داد، به‌خوبی می‌شناسم. ایشان در شمار اندیشمندان ایران‌دوست و مردم‌باوری است که در کسوت معلمی چون شمع فروزان روشنی‌بخش محافل علمی و دانشگاهی است. هرگاه قلم به دست می‌گیرد و لب به سخن می‌گشاید پند و اندرز و نقدی را مطرح می‌کند، با ذره ذره وجودش به ایران و سربلندی آن عشق می‌ورزد. عالمانه، مؤدبانه و محترمانه نقد می‌کند، منصفانه دوری می‌کند، دلسوزانه راه نشان می‌دهد، از تعارفات می‌گذرد تا بیان او صریح و آشکار و بدون لکت و عاری از حقیقت نباشد، او به همان میزان که نقدکننده است، نقدپذیر است. نظام باید قدر این دست از سرمایه‌های علمی و فداکار خود را بیش از پیش بداند و به جای محدودسازی و مسدودکردن اندیشه‌ورزی آنان، به گوش جان سخنان خیرخواهانه آنها را بشنود. یکی از روش‌های کنترل مهاجرت نخبگان ارج‌نهادن و پذیرفتن و گشودن آغوش همراه یا مهر و عطوفت به روی چنین انسانی‌های شریف، آزاده و بزرگی است که پشتوانه‌های فکری و معرفتی ایران‌اند و زمینه‌ساز پویایی و شکوفایی علم و اندیشه و تربیت انسان‌های مستقل و متعهد و دوستدار میهن و سرفرازی کشور هستند.

یادداشت

فیلترینگ، حقوق ملت، اعمال حکومت

محمدهادی جعفریور

وکیل دادگستری

حقوق فطری، هنوز عده‌ای طرفدار اندیشه‌ها و تئوری‌های مطرح‌شده در این مکتب و دیگر مکاتب حقوقی و اجتماعی نشئت‌گرفته از پایه‌های اساسی حقوق فطری بوده و سعی در القای این اندیشه دارند که انسان بالذات واجد حقوق و امتیازاتی است که برای بهره‌مندی از آن نیازمند هیچ ساختار سیاسی و حاکمیتی نبوده، این حقوق هم‌زاد انسان بوده، بنابراین هیچ دولتی صلاحیت و شایستگی تعریف یا تحدید این حقوق را ندارد؛ چراکه در چنین فرضی ممکن است دایره شمول و مصادیق حق‌های انسانی مضیق شود. فارغ از ایرادات نظری بر چنین دیدگاهی که سادس‌ترین آن نقض قرارداد اجتماعی روسو و مونتسکیو است، باید این بیم و ترس را پذیرفت که ممکن است دخالت دولت‌ها در تعریف حق‌های انسان مانعی شود در مسیر حصول نتیجه‌ای مطلوب، آن‌گونه که در برخی آزادی‌های سیاسی مانند آنچه درباره حق انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات با اعمال فیلترینگ شاهد آن هستیم.

عطف به چنین امری باید پرسید که مبنا اعمال قانون است یا فرمان حاکمان؟ تاریخ گواه این ادعاست که در روزگار کن، آنچه به‌عنوان ضابطه رفتار افراد جامعه تبلور داشته، قدرت حاکمان و نیروی عادت بوده، در هر یک از اقوام رفتار افراد طایفه باید بر موازین و قواعد معینی منطبق می‌شد که آداب و رسوم مورد پذیرش آن قوم بوده است.

مباحثه درباره فیلترینگ و تعارض این رفتار حکومتی با حق‌های انسانی از جمله مطالبی است که بارها و به شیوه‌های متنوعی در رسانه بیان شده، اما جدیدترین مبحث مرتبط با مقوله فیلترینگ اقدام اخیر در رفع فیلتر از دو پلتفرم و در ادامه سخنان وزیر علوم راجع به کیفیت و چگونگی رفع فیلتر از یوتیوب است. عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط و اظهارات وزیر علوم به‌عنوان شخصی که دانش آموخته حقوق است و متصف به کسوت وکالت، سبب طرح این پرسش است که ملامت معیار اعمال حاکمیتی در مقوله فیلترینگ، قانون است یا فرمان؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است اشاره‌ای مختصر به تاریخچه شکل‌گیری نهاد قانون و حکومت قانون کرد.

حق‌ها و امتیازاتی که یک انسان بنا بر فطرت و طبیعت انسانی‌اش باید از آن بهره‌مند شود، در هیئت حقوق اساسی، حقوق شهروندی، حقوق بشری یا عبارات و اصطلاحاتی از این دست تعریف و مصادیق آن تجزیه و تحلیل می‌شود، بنابراین واضح و مبهرن است که تصریح به مصادیق این حقوق مانند: آزادی، رفاه، معیشت، مسکن، شغل، تحصیل، بهداشت، دسترسی آزاد به اطلاعات و... نقطه اشتراک عهدنامه‌های بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهاست. هانا آرنت با انشای اصطلاح حق‌داشتن یا حق برخورداری از حقوق به دو نکته تأمل‌برانگیز اشاره می‌کند. او معتقد بوده مصادیق حقوق انسانی فطری و طبیعی بوده و زمانی به وجود چنین حقی آگاه خواهیم شد که به آن نیازمند شده یا آن را از دست‌رفته می‌بینیم. با این وصف آنچه امروزه در تعریفی از حقوق شهروندی و حقوق بشر از سوی فلاسفه اروپای معاصر ارائه می‌شود، مؤید این موضوع است که با وجود گذشت چند قرن از تئوری‌های مکتب